

پژوهشی نو در محدوده تربت حسینی علیه السلام

سید علی ربانی موسویان^۱

چکیده

تعیین محدوده تربت و حائر حسینی علیه السلام نقشی تعیین کننده در حدود و ثغور دو حکم استحباب اتمام نماز در حائر و اخذ تربت جهت استتشاف دارد. این تحقیق با روش توصیفی و تحلیلی پس از آنکه دیدگاه فقها را با نگاهی نقادانه بررسی می‌کند و ادله روایی این باب را که به ظاهر مشتمل بر اختلافات بارزی است بازنگری نموده، در نهایت با دقت در ادله و بهره‌گیری از کلمات معصومان علیهم السلام و توجه به روح واژه‌ها و لحاظ نمودن تاریخ صدور احکام و در نظر گرفتن قرائن دیگر و با عنایت به فلسفه صدور حکم، به این نتیجه رسیده که مقصود از تربت حسینی علیه السلام همان مکانی است که حوادث روز عاشورا در آن به وقوع پیوسته و منطبق با ارض کربلا در زمان خود حضرت سیدالشهدا علیه السلام بوده و اعداد و ارقامی که در این رابطه گفته شده از باب بیان مراتب فضیلت و شرافت و اثر است؛ به طوری که مرقد مطهر مرکز دایره شفاست و هرچه نماز به آن نزدیکتر اقامه شود مطلوب‌تر است.

کلیدواژه‌ها: تربت حسینی علیه السلام، حائر، حرم، کربلا، اتمام نماز، استتشاف به تربت.

۱. استادیار گروه فقه و حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر، اسلامشهر، ایران

در لغت «تربت» و «تراب» به دو معناست؛ معنای خاص تربت، خاک قبر، قبر و مقبره می‌باشد. (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۲۸) و معنای عام آن، خاک، ماهیت زمین و بخش سطحی زمین می‌باشد. (لجنة من اعضاء مجمع اللغة العربية، ۱۹۶۰م، واژه تراب) در این پژوهش مقصود از تربت حسینی معنای اعم آن، یعنی خاک و زمین منسوب به امام حسین علیه السلام است که هم شامل تربت و هم حائر می‌شود. معمولاً فقها هنگام بررسی احکام تربت به معنای خاص آن جهت استشفای احکام تربت و به معنای عام آن جهت حکم نماز، تفکیکی قائل نشده و محدوده متعلق موضوع هر دو حکم را یکی می‌دانند و در نهایت جهت تناول خاک احتیاط کرده و دستور به مخلوط نمودن آن با آب می‌دهند.

از جمله واژگانی که در مقدمه به معنای آن باید اشاره نمود، واژه «حائر» است. حائر در کتب لغت با دو معنای عمده و اصلی در ارتباط با موضوع مورد بحث به کار می‌رود: ۱- زمین و مکان گودی که آب در آن جمع می‌شود و در آن حیران است. (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ماده حیر) ۲- نام علمی برای مزار و مرقد مطهر حضرت سیدالشهدا علیه السلام. (یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج ۲، ص ۲۰۸) برخی لغویون نیز تصریح نموده‌اند علت نامگذاری زیارتگاه ابا عبدالله الحسین علیه السلام به حائر به جهت همین سرگردانی آب در آن مکان می‌باشد. (مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ماده حور)

در روایات اهل بیت علیهم السلام و کلمات فقها برای تربت حسینی احکام متعددی ذکر شده است. از میان این احکام دو حکم استحباب اتمام نماز در حائر و استشفای تربت حسینی ویژگی خاصی دارند. اما در متون روایی در رابطه با تربت حسینی با واژه‌های مختلفی مواجه هستیم؛ واژگانی مانند کربلا، حرم، حائر، روضه، قبه، قبر و طین که تعیین مفهوم و مصداق خارجی هر یک و

اینکه این واژگان مصداقاً یکی هستند یا متعدد یا تفصیلی در کار است، در صدور فتاوی تأثیر و آثار حکمی متعددی خواهد داشت. به ویژه اینکه در تعیین حدود این موارد، شاهد اختلافات ظاهری در روایات و اقوال فقها هستیم. پژوهش فقهی پیش‌رو به دنبال موضوع‌شناسی دو حکم یادشده با هدف تعیین محدوده حکم اتمام نماز و استشفای تربت با روشی مبتنی بر حفظ اصول و مبانی فقه سنتی است و در عین حال با نگاهی فراتر از قول لغوی و عرف معاصر با دقتی فقه‌الحدیثی و با توجه به فلسفه احکام و توجه به مباحث تاریخی به موضوع نگریسته و پس از بررسی و نقد اقوال موجود با استمداد از کلمات معصومان علیهم‌السلام دیدگاهی نو ارائه خواهد کرد.

پیشینه پژوهش

نزدیک‌ترین پژوهش انجام‌شده به موضوع پژوهش، نوشته «مهدی درگاهی» با عنوان نماز مسافر در اماکن چهارگانه می‌باشد. پس از اینکه نویسنده بر اساس دیدگاه مشهور فقهای متأخر، حکم نماز مسافر را در چهار مکان (مکه، مدینه، مسجد کوفه و حائر حسینی) از قاعده لزوم قصر نماز خارج می‌داند به دیدگاه‌های مخالف این حکم نیز اشاره کرده و مجموع اقوال در این باب را چنین می‌شمارد: نظریه وجوب قصر، نظریه وجوب اتمام و نظریه تخییر با افضلیت اتمام که آن را دیدگاه برگزیده فقهای متأخر از شیخ طوسی تاکنون معرفی می‌کند.

آنگاه نویسنده پرسش اصلی مقاله خود را این‌گونه مطرح می‌کند: حکم نماز مسافر در اماکن چهارگانه جهت قصر یا اتمام و یا تخییر میان این دو چیست؟ و سپس پرسش فرعی را چنین طرح می‌نماید: مراد از اماکن اربعه که در روایات با تعبیرهای گوناگون آمده کجاست؟ آنگاه چنین توضیح می‌دهد: وقتی از میان اقوال، قول به تخییر در اماکن چهارگانه برگزیده شد، نوبت به موضوع‌شناسی و بیان مراد از اماکن اربعه می‌رسد و پس از مراجعه به ادله

درمی یابیم که محدوده این اماکن در روایات به گونه‌های مختلف بیان گردیده و به تبع آن، اقوال و احتمالات مطرح شده از سوی فقها مختلف است. آنگاه می‌افزاید: البته در این نوشتار به علت کثرت مباحث مربوط به اصل حکم، تنها به پرسش اصلی پرداخته و بحث و تبیین موضوع این مسئله را به فضلا و طلاب دیگر وامی‌گذاریم. (درگاهی، ۱۳۸۹ش، ص ۴۶-۴۷) در واقع موضوع این نوشتار، همان موضوعی است که پژوهشگر مذکور، حکم آن را در پژوهش خود مورد بررسی قرار داده و بررسی موضوع آن را به دیگر پژوهشگران واگذار نموده است.

تاریخچه و محدوده کربلا در زمان حضرت سیدالشهدا (علیه السلام)

«یاقوت حموی» در تاریخ شهر کوفه می‌نویسد: «خالد، ساباط و مدائن را به تصرف درآورد و کربلا را به زور در اختیار گرفت و مردمش را اسیر کرد و سعد بن ابی وقاص سرزمین کربلا را میان اصحابش تقسیم نمود و هر گروهی سهم و قسمت خود را احیا نمود». (یاقوت حموی، ۱۹۹۵م، ج ۴، ص ۴۴۵) از این سخنان روشن می‌شود کربلا در آن زمان منطقه‌ای مسکونی بوده و تمام آن سرزمین با مناطق اطرافش را کربلا می‌گفته‌اند. زمانی که خالد آنجا را فتح نمود و میان اصحابش تقسیم کرد، هر یک از آنها بخش مربوط به خود را آباد نمود و هر منطقه نام خاصی یافت؛ از جمله غاضریه، عقر، نینوا و ساحل فرات. نتیجه اینکه کربلا در گذشته نام همه این مناطق و آبادی‌ها بوده و ظاهراً پس از انجام این تقسیمات و احیایا به طور خاص هم به یکی از این مناطق کربلا گفته می‌شده که همان سرزمینی است که امام حسین (علیه السلام) در آن به شهادت رسیدند و به خاک سپرده شدند و این به مانند استانی است که همزمان با یکی از شهرهایش همنام باشد؛ مانند استان تهران که مرکزش (شهر تهران) نیز با آن همنام است. استدلال ما بر این مطلب این است که برخی دیگر از شواهد تاریخی نشان می‌دهد از میان زمین‌های تقسیم و احیاء شده، قطعه کربلا

همچنان بیابانی بایر باقی ماند؛ به طوری که خالد بن عرطفه آن را قرارگاه لشکر خود قرار داده بود، اما سپاهیان از بدی آب و هوای آنجا اعتراض کردند و خالد مجبور شد لشکریان را به حیره انتقال دهد و این سرزمین، خالی از سکنه و بایر ماند. (آل کلیددار، ۱۳۶۸ق، ص ۱۱) همچنین اقتضای دستور ابن زیاد به حر بن یزید ریاحی مبنی بر اینکه امام علیه السلام را به منطقه‌ای ببرد که بی آب و علف باشد (محلّاتی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۱۱۷) این است که آن منطقه همچنان دور از آب و آبادی باشد. علاوه اینکه قاعدتاً منطقه‌ای که برای جنگ از سوی سپاه مخالف اختیار شده باید خالی از سکنه و میدانی وسیع باشد. در همان نقل آمده: پس از اینکه دستور ابن زیاد به جناب حر رسید، امام خواست به غاضریه یا نینوا رود، اما لشکر حر اجازه ندادند و همراه آن حضرت بودند تا اینکه در کربلا فرود آمد. (محلّاتی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۱۱۸) این مطلب به روشنی نشان می‌دهد دو منطقه مذکور، آباد بوده‌اند که اجازه نزول به آنجا داده نشد؛ اما در کربلا خواسته پسر زیاد محقق شد.^۱

محدث نوری در نفس الرحمن می‌نویسد: «نزد مردم ساکن اطراف کربلا مشهور است که کربلا یک تکه از زمین‌های مجاور رودخانه‌ای است که از جنوب دیوار شهر و از کنار مزار معروف به «ابن حمزه» می‌گذرد. بخشی از سرزمین را باغ‌ها و بخشی را کشتزارها تشکیل داده‌اند و کربلا میان آنها واقع است. (قزوینی، ۱۳۹۲ش، ص ۱۱۰) بنابراین کربلای قدیم را بخش وسیعی از شهر امروزی کربلا در بر می‌گرفته است. در روایات معصومان علیهم السلام نیز شواهد متعددی وجود دارد که کربلا شامل تمامی مناطق نام برده، می‌شده و محدود به منطقه محل شهادت نبوده است. از جمله در ضمن یکی از زیارات آن حضرت

۱. البته بنابر دیگر گزارش‌ها، در مجاور این زمین باید سرسبزی و آب در اختیار باشد، چنان‌که سپاه عمر سعد در کنار رود خیمه زده بود و از شریعه محافظت می‌کرد و مقاتل، مسیر عبور قمر بنی‌هاشم را جهت اخذ آب از نخلستان ذکر نموده‌اند؛ به طوری که برای قطع دستان مبارکش در پشت نخل کمین کرده بودند. (محلّاتی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۲۰۲-۲۰۳)

که در سلسله سند آن نام افرادی چون علی بن مهزیار و ابن ابی عمیر و ابی حمزه ثمالی دیده می‌شود، امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

پس از عبور از فرات و خواندن فلان دعا به نینوا می‌رسی. پس رحالت را در آنجا قرار بده و دیگر تدهین نکن و سرمه به چشم مکش و گوشت نخور مادامی که آنجا مقیم هستی و بعد دستوراتی می‌دهند تا شخص به حائر برسد». (ابن قولویه، ۱۳۸۱ش، ص ۷۰۳)

این حدیث نشان می‌دهد نینوا نیز داخل در کربلا محسوب می‌شده که امام صادق (علیه السلام) به لزوم رعایت تمامی حرمت‌ها در آنجا دستور می‌دهد. در خبری دیگر که در مورد کیفیت وداع با آن حضرت است و تمامی رجال نامبرده در اسناد این حدیث نیز موجود می‌باشند، امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «وقتی اراده وداع نمودی بعد از فراغت از زیارتت پس آنچه می‌توانی از زیارات [مجددا] انجام بده و باید محل اقامت تو در نینوا یا غاضریه باشد. هنگامی که اراده زیارت وداع کردی غسل کن و زیارت وداع را انجام بده». (ابن قولویه، ۱۳۸۱ش، ص ۷۷۸) این روایت نشان می‌دهد نینوا و غاضریه داخل در کربلا و انتهای مرز کربلا محسوب می‌شده‌اند؛ زیرا امام صادق (علیه السلام) در مقام تعلیم زیارت وداع هستند و می‌خواهند بفهمانند خروج از این دو حد - قبل از زیارت وداع - به منزله خروج از کربلا بدون انجام زیارت وداع است. بنابراین باید هنگام وداع در آنجا بود و تا قبل از وداع از آنجا عبور نکرد. اگرچه برخی برداشت کرده‌اند که مقصود امام صادق (علیه السلام) این بوده که محل اقامت از حرم دور باشد که حفظ احترام حرم شود، اما اولاً به قرینه روایت قبلی که حفظ احترام را در نینوا نیز لازم می‌دانست، ثانیاً به قرینه روایت بعدی که می‌فرماید: قبور ما را در غاضریه زیارت کنید، (ابن قولویه، ۱۳۸۱ش، ص ۸۱۵) چنین به نظر می‌رسد معنای فوق از روایت قابل استفاده است.^۱

۱. از قرائن دیگری که نشان از اوسع بودن حرم از حائر و مشتمل بودن آن بر کربلا می‌شود مطلبی است که در زیارت صفوان جمال و زیارات دیگر آمده. در این روایت امام صادق (علیه السلام) به صفوان چنین آموزش می‌دهند ←

روایات و دیدگاه فقها در مورد محدوده تربت حسینی علیه السلام

همان‌طور که در مقدمه اشاره شد در مورد محدوده و حیطة تربت حسینی به معنای عام آن، هم در ظاهر روایات، اختلاف به چشم می‌خورد و هم میان اقوال فقها اختلاف به نظر می‌رسد.

۱. دیدگاه فقها در مورد حدود حائر

الف) محسوب شدن تمام شهر کربلا به عنوان حائر. (بحرانی، ۱۳۶۹ش، ج ۱۱، ص ۸۹) این دیدگاه مورد قبول محقق نراقی (نراقی، ج ۸، ۱۴۱۶ق، ص ۳۱۳ و ۳۱۷) و ابن سعید حلی نیز می‌باشد (ابن سعید حلی، ۱۴۰۵ق، ص ۹۳) و از معاصران صاحب کتاب *شفاء الصدور* قائل به آن است. (طهرانی، ۱۳۷۶ش، ص ۲۹۶ و ۲۹۷)

ب) محدود بودن حائر به پنج فرسخ از اطراف قبر مطهر.^۱ (شیخ مفید، ۱۴۰۹ق، ص ۱۴۱) دیدگاه شیخ صدوق نیز همین مقدار می‌باشد؛ زیرا دأب قدمای از محدثین بر این بوده که هنگامی که روایاتی در کتب حدیثی خود بدون نقل معارض ذکر می‌کردند به منزله فتاوی آنها محسوب می‌شد و صدوق نیز در کتاب *الفقیه* خود در باب «تربة الحسین علیه السلام و حریم قبره» از میان روایات تعیین کننده حدود تربت، تنها به روایت پنج فرسخ اکتفا نموده و این نشان

→ که در زیارت سیدالشهدا علیهم السلام چون به فرات رسیدی در آنجا غسل کن و صدمرتبه تکبیر بگو و لباس پاکیزه بپوش دو رکعت نماز خارج از مشرعه بخوان؛ زیرا این مکان همان مکانی است که خدای عز و جل در شأن آن فرموده: «وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مَّتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَزُرْعٌ وَنَخِيلٌ صُنُونٌ وَعَايِرٌ صُنُونٌ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفَّضَلُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (رعد، ۴) که به روشنی در آن اشاره به برتری این مکان مقدس نسبت به غیر خود داشته و نشان می‌دهد قدسیت و پاکی حرم حسینی از فرات را در برمی‌گیرد. آنگاه امام فرمود: چون به سوی حائر متوجه شدی با گام‌های کوتاه قدم بردار و با آرامش و وقار به سوی حضرت برو.... (المشهدی، ۱۳۸۹، ص ۲۵۳ و ۲۵۹)

۱. و حده خمسة فراسخ من اربع جنبات قبره و من دونه مواطن بعضها اشرف من بعضها لدنوها من محله علیه السلام من المكان و قربها منه.

می‌دهد که دیدگاه مختار وی همین مقدار می‌باشد. (شیخ صدوق، ۱۳۸۷ش، ج ۳، ص ۵۲۵)

ج) محدود بودن حائر به دیوار حرم مطهر، یعنی آن مقداری که دیوار مشهد شریف و مسجدش آن را در برگرفته است. (صاحب جواهر، ش ۱۳۶۵، ج ۱۴، ص ۳۳۹) علامه حلی نیز همین دیدگاه (مادار سور المشهد علیه) را داشته است. (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۳۷) ظاهراً دیدگاه بیشتر مراجع معاصر از جمله آیات عظام: خویی، تبریزی، بهجت و مکارم نیز منطبق با همین دیدگاه است. (امام خمینی، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۷۲۸)

- مجموعه صحن قدیم قبل از نوسازی دوره صفوی. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۸، ص ۱۱۷) محدث قمی نیز همین دیدگاه را داشته است. (قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۹۶)

د) حائر محدود به ۲۵ ذراع از اطراف قبر مطهر است که دیدگاه برخی معاصران است. (گلپایگانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۴۰) در واقع این دیدگاه، حائر را با قبر مطهر یکی انگاشته و با قبه سامیه مساوی دانسته است.

- حائر محدود به اطراف ضریح مقدس است. (طباطبائی یزدی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۶۴) که دیدگاه برخی معاصران نیز می‌باشد. (خوانساری، ۱۳۵۵ش، ج ۱، ص ۵۸۹)

قول سوم (ج) را به این دلیل به دو بخش تقسیم کردیم که بسیار نزدیک به هم بوده طوری که تقریباً قابل تمایز از یکدیگر نیست. همچنین قول چهارم (د) را بنابراین اقوال، در چهار دیدگاه اصلی خلاصه می‌شود:

یک- شهر کربلا؛

دو- پنج فرسخ؛

سه- آن مقداری که دیوار صحن شریف آن را فراگرفته؛

چهار- اطراف ضریح تا ۲۵ ذراع.

۲. روایات وارده در تعیین محدوده تربت حسینی علیه السلام

روایات وارده در باب محدوده تربت حسینی علیه السلام مشتمل بر تعیین ده مسافت مختلف است:

الف) پنج فرسخ است^۱ از همه جوانب قبر مطهر. حکیم بن داود به صورت مرفوع از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: حریم قبر امام حسین علیه السلام پنج فرسخ از چهار طرف قبر است.^۲ (مفید، ۱۴۰۹، ص ۲۵ و ابن قولویه، ۱۳۸۱، ص ۸۲۳)

ب) از همه جوانب قبر مطهر یک فرسخ است. حمیری به سند خود از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: حریم قبر امام حسین علیه السلام فرسخی در فرسخی در فرسخی در فرسخی است.^۳ (مفید، ۱۴۰۹، ص ۱۴۰ و ابن قولویه، ۱۳۸۱، ص ۸۵۶)

ج) از قبر مطهر تا فاصله ده میل است. شیخ طوسی به سند خود از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: تربت قبر امام حسین علیه السلام ده میل است.^۴ (طوسی، بی‌تا، ج ۶، ص ۷۲)

د) از قبر مطهر تا فاصله چهار میل است. امام صادق علیه السلام فرمودند: حرم امام حسین علیه السلام که آن را خریدند چهار میل در چهار میل است پس آن برای فرزندان و دوستدارانش حلال و بر غیر آنها از مخالفینشان حرام می‌باشد و در

۱. هر فرسخ، سه میل و هر میل بنابر نظر مشهور فقها چهار هزار ذراع و طول هر ذراع نیز ۲۴ انگشت یا دو وجب شخص معمولی است. بنابراین فرسخ بر حسب ذراع دوازده هزار ذراع خواهد بود که مقدار آن بر حسب کیلومتر به طور تقریبی بین پنج تا پنج و نیم کیلومتر محاسبه شده است. (محمود هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶ق، ج ۵، ص ۳۸۱)

۲. حکیم بن داود بن حکیم عن سلمة بن الخطاب عن منصور بن العباس يرفعه الى ابي عبدالله علیه السلام: قال: «حریم قبر الحسين علیه السلام خمس فراسخ من اربعة جوانب القبر».

۳. محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری عن ابيه عن علی بن محمد بن سالم عن محمد بن خالد عن عبدالله بن حماد البصری عن عبدالله بن عبدالرحمن الاصم عن رجل من اهل الكوفة قال: قال ابو عبدالله: حریم قبر الحسين علیه السلام فرسخ فی فرسخ فی فرسخ.

۴. محمد بن احمد بن داود بن الحسن بن محمد عن حمید بن زیاد عن بنان بن محمد عن ابي الطاهر یعنی الوراق عن الحجال عن غیر واحد من اصحابنا عن ابي عبدالله علیه السلام قال: «التربة من قبر الحسين بن علی علیه السلام عشرة اميال».

آن برکت است.^۱ (ابن قولویه، ۱۳۸۱، ص ۲۸۰ و طریحی، ۱۳۷۵، واژه حرم) ه) از قبر مطهر تا فاصله یک میل است. ابن قولویه به سند خود از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: در خاک قبر امام حسین علیه السلام شفاست اگرچه از یک فرسخی گرفته شود.^۲ (شیخ مفید، ۱۴۰۹، ص ۱۴۳؛ ابن قولویه، ۱۳۸۱، ص ۴۶۲)

و) تا فاصله ۷۰ باع^۳ از قبر مطهر است. ابن قولویه به سند خود از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «خاک قبر امام حسین علیه السلام از نزد قبر آن حضرت گرفته می‌شود، هفتاد باع در هفتاد باع.»^۴ (شیخ مفید، ۱۴۰۹، ص ۱۴۵؛ ابن قولویه، ۱۳۸۱، ص ۸۵۴)

ز) تا فاصله ۷۰ ذراع^۵ از قبر مطهر است. شیخ طوسی به سند خود از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «خاک قبر امام حسین علیه السلام از نزد قبر تا هفتاد ذراع گرفته می‌شود.»^۶ (طوسی، بی تا، ج ۶، ص ۷۴؛ ابن طاووس، ۱۴۴۱، ص ۲۹۲)

ح) تا فاصله ۲۵ ذراع از قبر مطهر است. اسحاق بن عمار می‌گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «برای قبر حسین بن علی علیه السلام حرمت مشخصی است که هرکس آن را بشناسد و به آن پناه ببرد، پناه داده می‌شود.» عرض می‌کند: فدایت شوم آن موضع را برایم بیان نما. امام علیه السلام

۱. قال الصادق علیه السلام: «حریم قبرالحسین علیه السلام الذی اشتراه اربعة اميال فهو حلال لولده و موالیه و حرام علی غیرهم ممن خالفهم و فیه البرکة.»

۲. محمد بن جعفر عن محمد بن الحسين عن رجل عن ابی الصباح الکنانی عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «طین قبر الحسین علیه السلام فیه شفاء و ان اخذ علی راس میل.»

۳. هر باع اندازه طول دو دست باز مرد معمولی به طور افقی است - از سر انگشت میانی تا سر انگشت میانی دیگر - که برابر چهل ذراع است. (ابوالحسن دیانت، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۶۲)

۴. محمد بن الحسن عن محمد بن الحسن الصفار عن احمد بن محمد بن عیسی عن رزق الله بن العلاء عن سلیمان بن عمر و السراج عن بعض اصحابنا عن ابی عبدالله قال: «یوخذ طین قبر الحسین علیه السلام من عند القبر علی سبعین باعا فی سبعین باعا.»

۵. مراد از ذراع حد فاصل آرنج تا سر انگشت میانی انسان معتدل در خلقت و قامت است. (محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۱۹۸)

۶. عن سلیمان بن عمر السراج عن بعض اصحابه عن ابی عبدالله علیه السلام قال: یوخذ طین قبرالحسین علیه السلام من عند القبر علی سبعین ذراعا.

می‌فرمود: از جایی که امروز قبر آن حضرت است اندازه بگیر، به اندازه ۲۵ ذراع از جانب پا و ۲۵ ذراع از رو به رو و ۲۵ ذراع از پشت سر و ۲۵ ذراع از جانب سر تا آخر حدیث.^۱ (طوسی، بی تا، ج ۶، ص ۷۱؛ ابن قولویه، ۱۳۸۱ش، ص ۸۲۵)

ط) تا فاصله ۲۰ ذراع از قبر مطهر است. عبدالله بن سنان نقل می‌کند: از امام صادق علیه السلام شنیدم قبر حسین علیه السلام ۲۰ ذراع در ۲۰ ذراع، باغی از باغ‌های بهشت است.^۲ (طوسی، بی تا، ج ۶، ص ۷۲؛ ابن قولویه، ۱۳۸۱ش، ص ۸۲۵)

ی) در تربت سرخ بالای سر حضرت علیه السلام شفاست. یونس بن ربیع از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: نزد سر حسین بن علی علیه السلام خاک سرخی است که در آن شفای هر دردی است مگر مرگ.^۳ (کلینی، ۱۳۹۳ش، ج ۴، ص ۶۵۱؛ ابن قولویه، ۱۳۸۱ش، ص ۸۴۸)

کیفیت جمع میان روایات مختلف الحدود محدودۀ تربت حسینی توسط فقها و محدثین

آن عده از فقها که در تعیین حیطة تربت حسینی روایاتی را اخذ نموده‌اند که متضمن محدوده اقل می‌باشد به احتیاط عمل نموده‌اند. (وحید بهبهانی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۱۹۵)

۱. محمد بن جعفر بن الرزاز عن محمد بن الحسين بن ابي الخطاب عن الحسن بن محبوب عن اسحاق بن عمار قال: سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول: «ان لموضع قبر الحسين بن علي علیه السلام حرمة معلومة من عرفها و استجار بها اجير ، قلت فصف لي موضعها جعلت فداك. قال امسح من موضع قبره اليوم فامسح خمسة و عشرين ذراعاً من ناحية رجليه و خمسة و عشرين ذراعاً مما يلي وجهه و خمسة و عشرين ذراعاً من خلفه و خمسة و عشرين ذراعاً من ناحية راسه» الحديث.

۲. سعد بن عبدالله عن هارون بن مسلم عن عبدالرحمن الاشعث عن عبدالله بن حماد الانصاری عن عبدالله بن سنان عن ابي عبدالله علیه السلام قال: سمعته يقول: «قبر الحسين علیه السلام عشرون ذراعاً في عشرين ذراعاً مكسراً روضة من رياض الجنة».

۳. سعد بن عبدالله عن يعقوب بن يزيد عن الحسن بن علي عن يونس بن ربیع عن ابي عبدالله علیه السلام قال: «ان عند راس الحسين بن علي علیه السلام لتربة حمراء فيها شفاء من كل داء الا السام».

علت عمدۀ در محدود انگاشتن و حکم به تضييق حيطه حائر توسط برخى فقها احتياطى است که ايشان در باب حکم نماز مسافر اعمال داشته‌اند؛ مبنى بر اينکه اصل در نماز مسافر، قصر و شکسته خواندن است. (ابن براج، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۱۰) بنا بر اين، اصل احتياط اقتضا مى‌کند در موارد خلاف اصل، بر قدر متيقن اکتفا نمود و از عمل در مورد مقدار مشکوک پرهيز کرد. در حالى که از اين نکته غفلت ورزيده‌اند که اولاً اصل اولى در باب نماز، اتمام نماز و کامل خواندن است و شکسته خواندن نماز در سفر، خلاف اصل اولى مى‌باشد. بنا بر اين اتمام نماز از اين جهت موافق اصل اولى در نماز است و با احتياط منافاتى ندارد. چنان که محقق اردبيلى در خصوص نماز در مکان‌هاى چهارگانه به اين نکته اشاره نموده و مى‌فرمايد: اصل در نماز تمام بودن آن است و آنچه مى‌تواند، به وسيله ادله (به عنوان استثنا) از ذيل آن خارج مى‌شود و بقيه موارد مخصوصاً اماکن اربعه داخل در آن باقى مى‌ماند. (مقدس اردبيلى، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۴۱۹). علامه حلى نیز در مقام پاسخ به قائلان قصر نماز در اماکن اربعه مى‌فرمايد: اصل بر اتمام نماز است. (علامه حلى، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۳۴) ثانياً لسان برخى روايات باب امر به اتمام نماز در حائر حسينى (عليه السلام) به گونه‌اى است که به نظر مى‌رسد به عکس، اقتضای اصل، احتياط در اتمام نماز باشد! چنان که در برخى از اين روايات وارد شده، شکسته خواندن نماز در حائر نشانه ضعف و عمل ضعفاست. (ابن قولويه، ۱۳۸۱ش، ص ۷۶۳) حتى اگر نتوان اين روايت را بر ضعف ايمان حمل کرد، دست کم مى‌توان آن را بر ضعف معرفت حمل نمود؛ چنان که برخى فقها آن را بر اينکه آن شخص به مرحله صاحب سير بودن ائمه (عليهم السلام) نرسيده است حمل نموده‌اند. (کوه کمرى، ۱۴۱۴ق، ص ۱۰۴) لحن روايات اين باب در حدى است که سيدمرتضى بر اساس آنها فتوا به وجوب اتمام نماز در اماکن اربعه - از جمله کربلاى معلّاه - داده است. (علامه حلى، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۵۵۵) اينها علاوه بر فضائل بي شماری است

که زائر با قصر نماز، آنها را از دست خواهد داد و اگر قرار شود این محدوده بسیار تنگ گرفته شود به نوعی موجب لغو انگاشتن روایات این باب و محروم کردن مکلفان از برکات آن شده‌ایم. چنانچه شهید ثانی می‌نویسد: «اتمام در این اماکن مقدسه افضل است و مستند آن اخبار فراوانی است که در برخی از آنها وارد شده از اسرار مخزون علم الهی است.» (شهیدثانی، ۱۳۸۴ش، ج ۱، ص ۷۱)

عده‌ای دیگر از فقها در جمع میان احادیث این باب، روایاتی را اخذ نموده‌اند که متضمن محدوده اکثر است. ایشان در عین اینکه روایات اقل را طرح ننموده‌اند این روایات را حمل بر مراتب شرافت نموده‌اند. شیخ مفید در جمع میان روایات این باب می‌فرماید: دورترین بخش حرم بنا بر حدیث اول پنج فرسخ است و نزدیک‌تر از آنجا به حرم یک فرسخ است و شریف‌ترین مکان تا فاصله ۲۵ ذراعی قبر مطهر است و از آنجا شریف‌تر ۲۰ ذراعی حرم می‌باشد و باز اشرف از آنجا ذراع اول است که به قبر مطهر متصل است و از آن شریف‌تر خود مرقد مطهر امام علیه السلام است و شرف مرقد نیز به بدن مبارک آن حضرت است که در آن قرار گرفته است. (شیخ مفید، ۱۴۰۹ق، ص ۱۴۲)

صاحب کتاب *المزار کبیر* نیز به پیروی از شیخ مفید عیناً همین جمع‌بندی را برگزیده است. (المشهدی، ۱۳۸۹ش، ص ۲۱۳ و ۲۱۴) بنابراین تمامی این مقادیر، وسعت تربت را نشان می‌دهد و اختلاف در مقادیر تنها نشان از اختلاف در مراتب فضیلت دارد. به این صورت که حد نهایی حائر پنج فرسخ است و هرچه به مرقد مطهر نزدیک‌تر، شود تقدس و شرافتش بیشتر می‌گردد. علامه مجلسی در تأیید این دیدگاه می‌نویسد: «شیخ طوسی و عالمان پس از او در کیفیت جمع این روایات فرموده‌اند: تا آخرین حدی که در روایت‌ها وارد شده، خوردن تربت جایز است؛ ولی هرچه به قبر نزدیک‌تر باشد فضیلت آن بیشتر است.» و از محقق اردبیلی نقل می‌کند: «هرچه لفظ تربت امام حسین علیه السلام بر آن صدق کند خوردنش جایز است و موضوع حکم در بعضی از روایت‌ها اگرچه

خاک قبر است ولی روشن است که چنین چیزی همیشه ممکن نیست.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۰، ص ۱۶۰)^۱

ادله اقوال در محدوده تربت حسینی علیه السلام

۱. دلیل محدودیت تربت تا ۲۵ ذراعی قبر مطهر

مستند این قول روایات فوق‌الذکر است که در آنها محدوده قبر مطهر را ۲۰ یا ۲۵ ذراع تعیین نموده بود. هرچند این دو روایت، از روایات قول به ۴ و ۵ فرسخ از سند بهتری برخوردار است؛ لکن قابل استناد برای تعیین محدوده حائر و تربت به معنای اعم آن نیست؛ زیرا الفاظ به کار رفته در این روایات «قبر» است. لذا چه بسا در مقام تعیین محدوده نفس قبر شریف و بقعه مبارکه باشد و بنابراین تخصصاً از موضوع بحث خارج است.

توضیح اینکه بر خلاف تصور عده‌ای مقصود از قبر، غیر از حائر و حرم است؛ چنان‌که متبادر از این الفاظ نیز دو چیز مختلف است. اگرچه گاهی با قرینه به جای یکدیگر استعمال می‌شوند.^۲ برای اثبات این موضوع ملاحظه

۱. قابل ذکر است برخی فقها و محدثین هنگام بررسی روایات باب حدود حائر حسینی از برخی روایات غفلت نموده و تنها چهار روایت مشتمل بر فواصل پنج و چهار فرسخ و ۲۵ و ۲۰ ذراع را ارزیابی نموده‌اند. البته نتیجه‌گیری آنها قابل تعمیم به روایات دیگر نیز می‌باشد که در ادامه به آنها اشاره خواهیم کرد.

۲. همان‌طور که گفته شد گاهی قبر و حائر در معنای یکدیگر استعمال می‌شوند؛ مثلاً در ادب دهم از آداب زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام چنین آمده است: چون برسی به قبر امام بر در روضه بایست و این کلمات را بخوان ... پس به سوی قبر روانه می‌شوی (قمی، ۱۳۷۹ش، ص ۷۵۹-۷۶۰) که واضح است مقصود از نخستین قبر در کلام، قبر نمی‌باشد، بلکه حائر است؛ زیرا از قبر به سوی خود قبر رفتن معنا ندارد. و یا در زیارت حضرت عباس علیه السلام می‌خوانیم زمانی که زیارت قبر حضرت عباس بن علی علیه السلام را قصد کردی که کنار فرات رو به روی حائر می‌باشد نزدیک درب سقیفه بایست و ... (ابن قولویه، ۱۳۸۱ش، ص ۴۴۰) در اینجا نیز حائر به معنای خود به کار نرفته، بلکه به معنای قبر به کار رفته است؛ زیرا در ارائه نشانی و آدرس مکانی به دیگری، معقول نیست منطقه‌ای به وسعت زیاد آنها با حدودی غیر دقیق اقدام گردد. بلکه نشانی به صورت منطقه‌ای دقیق و معین مانند روبه‌روی قبر مطهر معرفی می‌گردد. اگرچه برخی به اشتباه حائر را در اینجا به معنای خود تلقی و از آن استنباط کرده‌اند که حرم قمر منیره بنی هاشم خارج از حائر است!

آداب و کیفیات زیارت که در برخی زیارت‌نامه‌های مأثور آمده کافی است. شیخ الطائفه از صفوان مهران (جمال) در کیفیت زیارت آن حضرت نقل می‌کند: پس هرگاه رسیدی به در حائر بایست و بگو ... پس اگر دلت خاشع و دیده‌ات گریان شد پس آن علامت رخصت است پس داخل شو و بگو ... آنگاه می‌فرماید: می‌روی تا درب قبه مطهر و بایست بالای سر و بگو ... (شیخ طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۴۹۹-۵۰۴؛ قمی، ۱۳۷۹ش، ص ۷۷۹-۷۸۱) این عبارات به وضوح نشان می‌دهد حائر و قبه دوتا هستند؛ به گونه‌ای که حائر، قبه را دربر گرفته است و از آنجا که مساحت قبه از قبر بیشتر یا دست‌کم برابر با آن است، لامحاله مساحت حائر از قبر بیشتر خواهد بود.

صاحب کامل الزیارات ضمن نقل بیست و یکمین زیارت مطلقه امام حسین علیه السلام - که طولانی‌ترین زیارت منقول وی نیز می‌باشد - به نقل از امام صادق علیه السلام کیفیت آن را اینگونه بیان می‌کند: هنگامی که اراده مسیر قبر حسین علیه السلام را نمودی پس سه روز چهارشنبه، پنج‌شنبه و جمعه را روزه بگیر ... و هنگامی که از منزل خارج شدی چنین و چنان بگو تا اینکه می‌فرماید از فرات و نینوا می‌گذری و پاک‌ترین لباس‌هایت را می‌پوشی و آنگاه پیاده حرکت کن و قدم‌ها را کوتاه برمی‌داری؛ پس زمانی که به تل رسیدی، بایست و رو به قبر کن و ۳۰ بار تکبیر بگو و ... سپس ده گام بردار و ۳۰ تکبیر بگو و ... سپس مقداری با وقار و سکینه راه برو درحالی که تکبیر، تهلیل، تمجید و تعظیم خدا و رسول را می‌گویی سپس مقداری نزدیک می‌شوی و می‌گویی: السلام علیک یا وارث سپس داخل حائر می‌شوی و هنگام ورود می‌گویی: السلام علی ملائکة الله المقربین ... سپس کمی راه می‌روی و هفت مرتبه تکبیر، تهلیل، تحمید و تسبیح می‌کنی و می‌گویی: لبیک یا داعی الله و ... سپس حرکت کن و قدم‌هایت را کوتاه بردار تا در مقابل قبر قرار گیری و قبله را میان دو کتفت قرار ده و با رویت به او روی کن و بر همه ائمه صلوات بفرست ... سپس مقداری نزدیک شو و بگو ... سپس قبر را استلام کن و بگو ...

تأخر حدیث. (ابن قولویه، ۱۳۸۱ش، ص ۶۹۸-۷۵۲) این حدیث صحیح السند به وضوح نشان می‌دهد میان حد حائر و قبر مطهر فاصله قابل توجهی وجود دارد.

صدوق در کتاب الفقیه تنها یک زیارت از حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) نقل کرده است و می‌فرماید سایر روایات را در کتاب زیارات و مقتل الحسین (علیه السلام) آورده است و علت اختیار این زیارت را برای نقل در این کتاب این می‌داند که نزد وی این زیارت از نظر سندی اصح زیارات است. وی ضمن بیان کیفیت زیارت آن حضرت از امام صادق (علیه السلام) (این روایت را صاحبان کتب اربعه (محمّدون ثلاث) همگی نقل کرده‌اند) نقل می‌کند: ... تا آنکه برسی به در حائر پس بگو ... پس ده گام بردار پس بایست و ۳۰ مرتبه تکبیر بگو پس برو به جانب قبر از پیش رو و مقابل کن روی خود را با روی آن حضرت. (صدوق، ۱۳۸۷ش، ج ۳، ص ۵۱۷-۵۲۲؛ قمی، ۱۳۷۹ش، ص ۷۷۱-۷۷۳) این روایت نیز به روشنی نشان می‌دهد که میان حائر و قبر، فاصله قابل توجهی وجود دارد.

نکته دیگر اینکه بین هرچیز و حریم آن چیز تفاوت است؛ چنان‌که حریم خانه با خانه دو تاست. همچنین بین قبر مطهر امام (علیه السلام) و حریم آن تفاوت است و ظاهراً روایاتی که واحد اندازه‌گیری در آنان ذراع و باع است، نظر به تعیین موضع و جایگاه نفس قبر شریف دارد و اینکه تا چه محدوده‌ای قبر مطهر محسوب می‌شود و روایاتی که با واحد اندازه‌گیری میل و فرسخ وارد شده، نظر به تعیین مقدار حریم قبر مطهر دارد نه خود قبر. این مطلب با دقت در عبارات روایات وارده به روشنی قابل استفاده است؛ به طوری که از میان چهار روایت اصلی که مورد توجه ویژه فقها قرار گرفته، تعبیر دو روایتی که مشتمل بر مسافت بیست و بیست و پنج ذراع است، «قبر الحسین (علیه السلام)» و یا «موضع قبر الحسین (علیه السلام)» است. در حالی که تعبیر دو روایتی که مشتمل بر

مسافت پنج فرسخ و یک فرسخ است، «حریم قبرالحسین علیه السلام» و یا «حرمه قبرالحسین علیه السلام» است که (حرمه) نیز به معنای حریم است.^۱

۲. دلیل محدوده مساحتی که دیوار صحن آن را فرا گرفته

استناد این قول به اقوال لغویون در مورد معنای حائر می‌باشد. صاحب سرائر می‌نویسد: «حائر، آن مکانی است که دیوار مشهد و مسجد آن را فرا گرفته است نه دیوار شهر، زیرا حائر در زبان عربی محل گودی است که آب در آن سرگردان می‌باشد». (ابن ادريس، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۴۲)

این قول نیز از آنجا که مستند به هیچ‌یک از روایات مذکور نیست و از طرفی مقصود از مکان گودی که آب آن را فرا می‌گیرد مجمل است و معلوم نیست که ابن ادريس چگونه آن را با محدوده دیوار صحن زمان خود انطباق داده است، بنابراین نمی‌تواند حجیت شرعی داشته باشد.

صاحب کتاب *مرآة الاطلاع* تصریح می‌کند: «حائر، جایگاه قبر حسین علیه السلام است که میانه‌اش پس و اطرافش بلند و برآمده است». (ابن عبدالحق، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۷۳) بنابراین منظور از حائر، زمین صاف و بی‌سنگلاخ است که پستی و بلندی‌هایی دارد، اگرچه در اصل به معنای محل جمع شدن آب است؛ اما در کاربرد، معنایی مانند غدیر و آبگیری چند ذراعی ندارد. علامه شیخ فضل‌علی قزوینی پس از ذکر این مطلب می‌گوید:

در زمان ما اینگونه است که در فصل بهار، با ریزش باران‌های سیل‌آسا و طغیان رودخانه‌ها، آب به جریان می‌افتد و همه زمین‌های مسطح را که نشیب و فراز دارند فرامی‌گیرد. عرب این سرزمین‌های آب‌گرفته را، «حور»، «حائر» و «حیر» می‌گوید. بارها به چشم خود دیده‌ام که چگونه

۱. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت مسافت بیست و بیست و پنج ذراع تخصصاً از حکم تخییر بین قصر و اتمام نماز خارج است و مربوط به حکم برترین مکان اخذ تربت جهت استشفاس و نتیجه اینکه قول کسانی که حکم به تخییر نماز را محدود به ۲۵ ذراعی در اطراف حرم کرده‌اند ناصواب است. بنابراین دو مسافت دیگر یک فرسخ و پنج فرسخ - مربوط به حکم تخییر نماز می‌شود که حتی اگر بنا را بر مقدار اقل، یعنی یک فرسخی از قبر مطهر هم بگذاریم باز هم قبر مطهر قمر بنی‌هاشم و حرم کنونی وی را شامل شده و اتمام نماز در آن جایز خواهد بود.

آب، فاصله میان سلیمانیه و کوفه را به مقدار ده فرسنگ یا بیشتر فرامی‌گیرد و چه بسا از کربلا تا کوفه را نیز شامل شود. این خشکی‌ها را در وقت استیلاي آب، حور و حائر می‌نامند و پس از خشک‌شدن نیز به همین نام می‌شناسند. در حقیقت لفظ حور و حائر در زبان عرب تا به امروز درباره زمینی به کار برده می‌شود که آب آن را فراگرفته باشد؛ اگرچه یک مرتبه در فصل بهار و پس از آن خشک گردد. اما زمینی که ده یا بیست باع وسعت دارد هر چند که آب آن را دربر بگیرد حور یا حائر گفته نمی‌شود. [وی سپس نتیجه‌گیری می‌کند:] بنابراین آنچه در روایات زیارات آمده که سپس بر درگاه حائر بایست یا آنگاه به حائر وارد شو و مانند اینها، همه نشان می‌دهد حائر گسترده‌تر از بارگاه، گنبد و دیوار مسجد بلکه وسیع‌تر از دیوار شهر بوده و حتی به چند فرسنگ از هر طرف منتهی می‌شده است. بنابراین سخن مجمع و دیگر کتب لغت که گفته‌اند: حائر محدوده‌ای است که دیوار زیارتگاه حسینی آن را دربر گرفته است خالی از اشکال نیست و به روشنی نادرست می‌نماید. (قزوینی، ۱۳۹۲ش، ص ۱۱۶-۱۱۷)

ناگفته نماند سایر اقوال نزدیک به این قول نیز مستند شرعی نداشته و مستند به هیچ‌یک از روایات مذکور نیست و غالباً قائلان برای آن دلیلی ارائه ننموده‌اند؛ الا اینکه قول آنان را اجمالاً به روایاتی مستند بدانیم که بیانگر آداب و چگونگی زیارت بوده و در آنها سخن از قبر، روضه، حائر و وقوف نزد حائر و حرکت به مقدار چند قدم و ... شده است و آنگاه این روایات را با ساز و ساخت‌های زمان خود یا پیش از خود تطبیق داده‌اند.

اما با توجه به اینکه صدور بسیاری از احادیث مشتمل بر لفظ حائر، مربوط به زمانی است که هنوز گنبد و بارگاه و صحن و رواقی بر پا نبوده است، نباید برای یافتن معنای تربت و حائر و حدود و ثغور آنها در خارج، به ظواهر ساخته شده امروزی و یا حتی در گذشته، مقید بود. همچنین نباید برای یافتن مصادیق این واژگان در دام سخنان لغویون افتاد و گرفتار ریشه‌های لغوی شد؛ به گونه‌ای که معنای لغوی، ذهن را از معنای کاربردی و مصطلح و اراده و عرف

قائلین نخست و صادرین فضائل و احکام آنها منصرف سازد که تعیین کننده مصادیق واقعی مفاهیم واژگان، همان کسانی هستند که قولشان در شریعت حجت است و حضرات معصومین علیهم السلام در استعمال این الفاظ بیش از هر چیز به حوادث و وقایع پیرامون و مربوط به آنها التفات داشته‌اند.

توضیح بیشتر اینکه لسان روایات و استعمال شارع در مورد معرفی سرزمین مقدس کربلا و حائر شریف، متفاوت و فراتر از چیزی است که اهل لغت آن را تعریف نموده‌اند. لغویون آنچه در تعریف این واژه‌ها بیان نموده‌اند معمولاً اشاراتی به ریشه‌های لغوی این واژه‌هاست؛ مثلاً در معنای کربلا می‌نویسند سرزمینی که خاکی نرم و سست دارد و یا پاکیزه از ریگ و درختان انبوه است و... (یاقوت حموی، ۱۹۹۵م، ج ۴، ص ۴۴۵) و در معنای حائر می‌نویسد جایی که آب در آن حیران می‌شود و یا زمین گودی که کناره‌هایش بلند باشد و آب در آن جمع شود و... (جوهری، ۱۴۰۴ق، ماده حیر؛ ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ماده حیر) اما تعبیری که معصومان علیهم السلام در مورد این خاک و سرزمین به کار برده‌اند از این قبیل است: کربلا، حائر، غاضریه (منسوب به غاضره از قبیله بنی‌اسد)، تل اعفر (زمینی که خاک‌های سرخ و سفید دارد)، طف (سرزمین سوزان)، شاطی الفرات (ساحل فرات) و بین النهرین (بین دو رود) که عموماً از یک‌سو حکایت از سرزمینی با وسعت زیاد دارد و از دیگر سو اشاره به محل وقوع حوادث روز عاشورا و مصائب آن، مانند سه واژه اخیر که اشاره به شهادت آن سرور عطشان میان دو رود و کنار فرات و در سرزمین تفتدیده دارد، تا جائی که خود حضرت سیدالشهدا علیه السلام نیز هنگام شنیدن نام وادی کربلا تعبیر «کرب» و «بلا» را به کار می‌برند تا ذهن شنونده را به سوی موضوعی فراتر از سطح ریشه معمول و متداول این کلمه منعطف سازند. بنابراین می‌توان گفت: تمام حوادثی که برای آن حضرت و اصحاب و اهل بیت گرامیش در روز عاشورا رخ داده، در سرزمینی واقع شده که بر تمامی مساحت این سرزمین واژه کربلا و حائر اطلاق شده است و تمام این محیط، واجد احترام و مقدس است. همچنین از آنجا که در زمان

صدور بسیاری از این روایات، که برخی از آنان نبوی بوده و مربوط به قبل از شهادت آن حضرت می‌باشد، مرقد مطهر امام علیه السلام بارگاه، گنبد، حیاط و دیواری نداشته است: بنابراین مقصود از حائر و یا کربلا چیزی جز همان سرزمین حادثه و محل وقایع عاشورا و منطقه حضور و شهادت و دفن حضرت سیدالشهدا علیه السلام و اصحابش نمی‌باشد؛ چنان‌که در عبارات زیارت شهدا در زیارت وارث نیز به آن اشاره شده است: «بابی اتم و امی طبتم و طابت الارض التي فيها دفنتم» (قمی، ۱۳۷۹ش، ص ۷۸۵) بنابراین از جمله مکان‌هایی که داخل کربلا و به بیانی که خواهیم گفت حرم محسوب می‌شود، بلکه اصل کربلا و حرم حسینی آنجاست، خیمه‌گاه می‌باشد؛ زیرا طبق روایات، وقتی آن حضرت به آنجا رسید و از نام آن منطقه سؤال نمود و در پاسخ، نام کربلا را شنید، فرمود: «گرفتاری» و «اندوه» و در همانجا رحل اقامت افکند و خیمه‌های خویش را برپا نمود. در واقع با این عمل، آنجا را به عنوان حرم خویش امضا نمود و بنابراین اصل کربلا همان جاست که سیدالشهدا علیه السلام به آن مهر تأیید این نام را زد و خیمه خود را بر آن استوار ساخت و با اقامتش در آنجا به آن مکان تقدس بخشید و بسیاری از حوادث عاشورا نیز مربوط به همان مکان شریف است و به طریق اولی تل زینبی نیز که مابین مخیم و مقتل است داخل در حرم قرار داشته است.^۱

۱. مجلسی در مورد حائر، ظاهرتر را این دیده که به مجموعه صحن قدیم جز مقداری که در دوران صفوی تجدید شد (یعنی تمام سمت قبله از صحن و حجره‌ها و جهات سه‌گانه غیر از سمت سدره) حائر گفته می‌شود. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۶، ص ۸۹) درحالی‌که اولاً مجلسی نظر خود را به شهرت اهل کربلای زمان خویش استناد می‌دهد، نه به اهل لغت و عرف زمان معصوم و روایات، و هیچ دلیلی بر حجیت مقدار صحن قدیم پیش از دوره صفوی و عرف زمان وی در تعیین مقدار حائر وجود ندارد. ثانیاً وجه اظهاریتی که ایشان ذکر کرده مشخص نیست و آن را معلوم نکرده و ظاهراً متأثر از بنا و عمارات دوره پیش از خود شده است. طریخی صاحب مجمع لغوی می‌نویسد: «حائر در اصل، محل اجتماع آب است و مقصود از آن، حائر حسینی است و آن مکانی است که دیوار زیارتگاه حسینی را فراگرفته است.» (طریخی، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۶۰۴) اردبیلی صاحب مجمع فقهی می‌نویسد: «معلوم نیست که حرم امام حسین علیه السلام بر غیر حائر اطلاق داشته باشد و حائر همان مکانی است که دیوار محل شهادت و آستانه‌اش بر آن احاطه دارد.» (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۴۲۶) در تعیین حدود مذکور به روشنی تأثیر وضعیت بنا و ساختمان حرم در عصر مؤلفین و ریشه لغوی واژه حائر نمود یافته است. و از روح معنای واژه و پشتوانه تاریخی آن غفلت شده است.

۳. دلیل محدوده ۵ فرسخی قبر مطهر

دلیل این قول روایتی است که محدوده تربت را پنج فرسخ تعیین نموده است و اشکال استناد به این روایت و نظایر آن مرفوعه و مرسله بودنشان می‌باشد که حدیث را از جهت سندی برای اثبات حکم شرعی با مشکل مواجه می‌سازد. البته در تأیید سند این حدیث می‌توان به این نکته اشاره نمود که صدوق آن را در الفقیه به صورت «و قال عليه السلام» آورده است نه «روی». (شیخ صدوق، ۱۳۸۷ ش، ج ۳، ص ۵۲۵) ناگفته نماند حدیث مشتمل بر مسافت یک فرسخ نیز مرسله می‌باشد.

۴. دلیل قول به مساوی بودن محدوده تربت حسینی با شهر کربلا

صاحب شفاء الصدور می‌نویسد: می‌توانیم بگوییم مراد از لفظ حائر که در بعضی از اخبار وارد شده کربلاست؛ اگرچه به حسب اصل همان موضع قبر مقدس است و سخن خود را به بیاناتی مستدل می‌کند که می‌توان چهار دلیل ذیل را از آن استفاده نمود:

شاهد صدق این ادعا استعمال عامه عرب است که حائر را به معنای کربلا به کار می‌برند و می‌فرمایند: اگرچه چنین استعمالی مجازی هم باشد؛ چون شیاع فراوانی داشته و در مقام جمع اخبار بی‌اشکال است. زیرا در لسان قدما و معاصران ائمه علیهم السلام و یا کسانی که نزدیک به عصر ایشان بوده‌اند، در کتب اخبار و سیر این استعمال به طور گسترده‌ای رایج بوده بلکه در اخبار اهل بیت علیهم السلام می‌توان بر آن شاهد یافت.

در بعضی اخبار، به حرم الحسین علیه السلام تعبیر شده است و لفظ حرم (حائر) برای تجلیل است و تجلیل با تنگ و ضیق در نظر گرفتن مقدار حرم منافات دارد و بلکه سعه حرم با جلالت صاحب حرم مناسبت دارد.

در صحیح‌ه علی بن مهزیار در مورد اتمام نماز در چهار مکان مقدس از مکه

و مدینه تعبیر به حرم خدا و رسول شده است و از کوفه و کربلا تعبیر به حرم امیرالمؤمنین و حرم الحسین (ع.ا.س) شده است و این در غایت رکاکت است که میان دو تعبیر نخست با دو تعبیر اخیر تفکیک قائل شویم به اینکه مقصود از حرم خدا و رسول، شهر مکه و مدینه است؛ اما مقصود از حرم امیرالمؤمنین و حسین (ع.ا.س)، مسجد و قبه است.

این خبر شریف شاهد بر این ادعاست که مقصود از حائر، همان شهر کربلاست نه صرف قبه و بارگاه. امام صادق (ع.ا.س) می فرماید: «من خرج من مكة او مدینه او مسجد الکوفه او حابر الحسین (ع.ا.س) قبل أن ينتظر الجمعة نادیه الملائكة أين تذهب...» زیرا معلوم است خروج از نفس قبه معنا ندارد، بلکه حدیث وقتی معنای صحیح دارد که مراد از حائر را بلده مقدسه کربلا بدانیم.^۱ (طهرانی، ۱۳۷۶ش، ص ۲۹۶ و ۲۹۷)

نظریه مختار و ادله آن

دیدگاه مؤلف همان قول اخیر است با این تفاوت که مقصود از شهر کربلا محدوده کربلا در زمان حضرت سیدالشهداء (ع.ا.س) است که در قسمت مقدمه و

۱. در تأیید قول صاحب شفاء الصدور می توان به روایات باب تفاخر ارض کربلا بر مکه استشهاد کرد؛ زیرا در روایات این باب تماماً تعبیر به تربت کربلا و ارض کربلا شده و این نشان می دهد حکم فضیلت و قداست روی تمام زمین کربلا رفته و تنها شامل قسمتی از آن نمی شود، بلکه بالاتر اساساً مقصود از حائر، حرم و کربلا یک چیز است و یک مصداق خارجی بیشتر با اسامی متعدد در کار نیست. همچنین روایات باب ۸۸ کامل الزیارات (باب فضل زیارة کربلا و زیارة الحسین (ع.ا.س)) که مشتمل بر ۱۴ حدیث است. غیر از حدیث پنج و شش که در آنها تعبیر به غاضریه شده در باقی روایات تعبیر به لفظ کربلا شده است؛ مانند: من بات ليلة عرفة فی کربلا.... زوروا کربلا و لاتقطعوه..... قال رسول الله ﷺ یقبر ابني بارض یقال لها کربلا..... که در آنها به جای اینکه بفرماید هرکس شب عرفة در حائر بیتوته کند یا به جای اینکه بفرماید حائر را زیارت کنی و یا به جای اینکه بفرماید فرزندانم در حائر دفن می گردد، می فرماید: هرکس شب عرفة در کربلا بیتوته کند..... و یا زیارت کنی کربلا را..... و یا فرزند من در کربلا دفن می شود که این یا از باب استعمال لفظ مترادف است و یا از باب توسعه در موضوع.

تاریخچه به آن اشاره شد. در این خصوص توجه به خود روایات باب تخییر میان قصر و اتمام نماز در مکان‌های مقدس اربعه بلکه استحباب اتمام در آنها به فهم و مقصود از محدوده این حکم کمک می‌کند و موضوع را تا حد زیادی روشن می‌سازد.^۱

اقسام روایات باب اتمام نماز در مکان‌های چهارگانه

ادله افضلیت اتمام نماز در مکان‌های مقدس چهارگانه که دلایل قصر نماز مسافر را تخصیص می‌زند با سه تعبیر «حائر»، «عندالقبر» و «حرم» به کار رفته است؛ بنابراین قابل انقسام به سه دسته زیر هستند:

الف) روایات با لفظ «حائر»

مانند روایت امام صادق علیه السلام که فرمود: از امر مذخور و اسرار الهی، تمام خواندن نماز در چهار موطن است: مکه، مدینه، مسجد کوفه و حائر. (ابن قولویه، ۱۳۸۱ش، ص ۷۶۶)

در رابطه با واژه حائر در مباحث گذشته توضیحات کافی داده شد و در اینجا فقط به این نکته اشاره می‌شود که قاعدتاً بر اساس تناسب و در ردیف مکه، مدینه و کوفه قرارگرفتن حائر مقصود از آن باید چیزی معادل یا نزدیک به وسعت آنها باشد و معقول نیست که به چند متر اطراف ضریح محدود شود.

ب) روایات با لفظ «عندالقبر»

مانند حدیث حمدان مدائنی از امام موسی بن جعفر علیه السلام که فرمود: «آنچه را برای خود دوست می‌دارم برای تو نیز دوست می‌دارم و آنچه را برای خود

۱. از طرفی پس از اطمینان و قطع به تخصیص و اینکه ادله تخییر و استحباب اتمام نماز در این مکان‌ها، صحیح و بی‌اشکال است، نوبت به مقدار این تخصیص می‌رسد که در صورت روشن‌شدن مقدار تخصیص و رفع ابهام از آن، دیگر نیازی به لحاظ قدر متیقن و احتیاط در خصوص مقدار زائد و مشکوک نیست؛ بلکه در تمام مقدار تخصیص‌زده شده استحباب و برتری اتمام نماز ثابت می‌گردد.

مکروه داشته و نمی‌پسندم برای تو نیز مکروه می‌دارم؛ پس نماز را در دو حرم (خدا و رسول) و در کوفه و نزد قبر حسین (علیه السلام) تمام بخوان». (همان، ص ۷۶۸). «عند» یا به فارسی «نزد» معنای وسیع و گسترده‌ای دارد و ذومراتب است؛ و غایت آن دقیقاً مشخص نیست و برای تشخیص آن باید به عرف رجوع کرد. مراجعه به عرف نشان می‌دهد هرکس به قصد زیارت به کربلا آمده باشد و در اطراف حرم و گوشه و کنار کربلا حتی در یک یا چند فرسخی حرم بماند و رحل اقامت افکند، گویند در کنار قبر حسین (علیه السلام) و جوار او اقامت کرده و یا هرکس که شب را در کوچه و خیابان‌ها و حسینیه‌ها و مهمانسراها و زیارتگاه‌های کربلا تا به صبح بگذراند، گویند شب را در کنار قبر آن حضرت به سر برده است. بنابراین، اینکه در روایات می‌فرماید: هرکس فلان شب را در کنار قبر حسین (علیه السلام) بیتوته کند..... شامل سکونت در تمام کربلا می‌شود؛ اگرچه بیتوته در داخل حرم و هرچه نزدیک‌تر به مرقد مطهر افضل است. مؤید این معنا روایتی است که به جای تعبیر از بیتوته در کنار قبر، تعبیر به بیتوته در کربلا می‌کند: من بات ليلة عرفة في كربلا و أقام بها حتى يعيد و ينصرف و فاه الله شرسته». (همان، ص ۸۱۵) بنابراین می‌توان گفت تقریباً تمام کربلا مصداق واژه «عند قبر الحسين (علیه السلام)» است؛ اما به حسب مراتب به این صورت که الاقرب افضل.

ج) روایات با لفظ «حرم»

مانند صحیح‌ه علی بن مهزیار از امام صادق (علیه السلام) که فرمود: «از مخزون و اسرار علم الهی این است که نماز در چهار مکان کامل خوانده می‌شود: حرم خدا و حرم رسولش و حرم امیرالمؤمنین و حرم حسین صلوات الله علیهم اجمعین». (همان، ص ۷۶۷)

این حدیث که از جهت سندی صحیح و بی‌اشکال است، از جهات دلالتی متعددی حائز اهمیت و کافی و تمام در بحث است. اولاً از این تعبیر که مسجد کوفه را حرم امیرمؤمنان (علیه السلام) دانسته درحالی که میان قبر آن حضرت و مسجد یک فرسنگ یا بیشتر فاصله است روشن می‌شود که حرم به همان قبه و بارگاه

و صحن و اطراف ضریح محدود نمی‌شود و بلکه حریم هر چیزی متناسب با خود آن چیز در وسعت و ضیق است؛ چنان‌که در کتب فقهی برای موارد مختلفی چون چاه، راه و چشمه، حریم‌های مختلفی متناسب با کارکرد آنها مشخص شده است. حریم مضجع شریف اباعبدالله علیه السلام که بابت بیوت نبوی است نیز محدوده مخصوصی دارد که وسعت آن را باید متناسب با کارکرد صاحب آن معنا نمود. متناسب با رحمة الله الواسعه بودن و باب نجات امت بودن وی دور از نظر است درجایی که در شرع مقدس حریم چشمه‌ای مادی هزار ذراع تشریح شده (صاحب جواهر، ۱۳۶۵ ش، ج ۳۸، ص ۴۶) حریم چشم آب حیات طیبه حسینی کمتر از این میزان تشریح شده باشد.

ثانیاً طبق تصریح فقها مقصود از حرم خدا صلی الله علیه و آله شهر مکه و مدینه است و مقصود از حرم امیرالمؤمنین علیه السلام، کل شهر کوفه است؛ به طوری که مسجد سهله را نیز شامل می‌شود. (سیستانی، ۱۳۸۳ ش، ص ۲۲۸) به طوری که در مورد حریم شریفین، در روایت صحیحه نقل شده ابن مهزیار از امام علیه السلام سؤال می‌کند منظور شما از موضعی که دوست می‌دارید نماز در آن شکسته خوانده نشود و زیاد در آنجا نماز گزارده شود آیا مکان خاصی از دو بلد شریف است یا همه آن شهر مقصود است؟ و حضرت به صراحت می‌فرماید: «مکه و مدینه است». و این روایت شرح لفظ حریم در روایت فوق‌الذکر است. (حائری، ۱۳۶۲ ش، ص ۶۵۳) جالب اینکه برخی فقها گفته‌اند عنوان «حریم» وسعت بیشتری از عنوان «بلدین» را شامل می‌گردد؛ زیرا حدود حرم الهی از زمان ابراهیم خلیل علیه السلام مشخص بوده و نشانه‌های آن همچنان موجود است که با ملاک آن حرم اوسع از مکه می‌باشد. همچنین در مورد حرم مدینه از برخی اخبار استفاده می‌شود که عبارت است از: بین دو کوه عیر و وعیر. (منتظری، ۱۴۱۶ اق، ص ۳۲۹) در مورد لفظ حرم امیرالمؤمنین علیه السلام نیز حسان بن مهران از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرمود: «مکه حرم خداست و مدینه حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله و کوفه حرم من است.» (حرعاملی، ۱۴۲۷ اق، ج ۱۰، ص ۴۵۲) و اینکه

کوفه حرم آن حضرت است به شهادت تاریخ نیز تأیید می‌شود؛ زیرا همان‌طور که پیامبر ﷺ از مکه به مدینه هجرت نمود و آنجا را مرکز حکومت خود قرار داد، امیرمؤمنان (علیه السلام) نیز از مدینه به کوفه هجرت کرد و آنجا را مرکز حکومت خود قرار داد. بنابراین روشن شد که در حدیث مذکور مقصود از حرم خدا شهر مکه و مقصود از حرم رسول ﷺ شهر مدینه و مقصود از حرم امیر (علیه السلام)، شهر کوفه است. حال سؤال اینجاست که چگونه است که واژه حرم در مورد حرم خدا و رسول و امیرالمؤمنین، به معنای تمام شهر است؛ اما در مورد حرم حسین (علیه السلام) بر کمترین مقدار ممکن و به اندازه اطراف ضریح حمل می‌شود؟! چگونه و بر چه اساسی می‌توان یک واژه مشترک را در یک روایت در سه فقره‌اش به یک معنا (یعنی بلد) حمل نمود و به یکباره در فقره اخیرش تنها به یازده و نیم متر حمل نمود؟! آیا استعمال واژه حرم در معنای بلد قرینه آشکار بر این نیست که مقصود از حرم در واژه چهارم نیز همین معناست و چنین ظهوری منعقد نمی‌گردد؟! تنها یک احتمال می‌ماند که ذهن برخی فقها را منصرف کرده باشد و آن هم روایاتی است که حدود قبر مطهر را به ۲۰ یا ۲۵ ذراع محدود نموده و موجب شده به احتیاط روی آورند. چنان‌که صاحب مستمسک به نقل از صاحب عروه می‌نویسد: «حکم به افضلیت اتمام نماز در مسجد و حائر بر اساس حکم به قدر متیقن است و الا بعید نیست که مدار حکم بر بلدان اربعه باشد، و سپس حکم به افضلیت اتمام را به اکثر اصحاب بلکه مشهور فقها نسبت می‌دهد.» (حکیم، ۱۳۹۱ق، ج ۸، ص ۱۸۴) در پاسخ به این شبهه باید گفت: همان‌طور که گذشت این روایات مربوط به حکم اخذ طین جهت استشفاس است (چنانکه در متن روایات به این موضوع تصریح شده) و روایاتی که مربوط به حکم اتمام نماز است منحصر به الفاظ سه‌گانه مذکور است. ضمن اینکه در مورد روایات باب اخذ تربت هم حدود ذکر شده مختلف است و جمع میان آنها حمل به مراتب فضیلت است و در آن روایات حدودی بیش از حد کربلا تا پنج فرسخ نیز بیان شده است. لذا دیگر وجهی برای این انصراف باقی نمی‌ماند.

در تکمیل این بحث ذکر این نکته لازم است که آقای خوبی که در علم رجال به نهایتِ سختگیری شهره است پس از اینکه روایات چهارگانه مشهور در مورد تحدید محدوده حائر را مخدوش و غیر قابل استناد از جهت سندی اعلام می‌کند، تنها روایت قابل استناد در این باب را روایتی می‌داند که مشتمل بر لفظ «حرم» است و می‌نویسد:

روشن شد که روایات معتبر در این باب در عنوان حرم الحسین علیه السلام منحصر است و از آنجا که لفظ حرم نه وضعی شرعی دارد و نه وضع متشرعی، بلکه از «حریم» به معنای «احترام» گرفته شده است پس مراد از آن، بین امور و حدودی مردد می‌باشد و یکی از آنها کربلاست و مضیق‌ترین آنها «هادار علیه سورالحرم» است؛ یعنی همان مکانی که امروزه به آن حرم می‌گویند و این مکان شریف فرد بارز و اظهر مصادیق لفظ حرم است و هنگام اطلاق لفظ حرم، قدر متیقن از این لفظ است. لذا با وجود احتمالات باید بر همین مقدار قدر متیقن اقتصار کرد (خوبی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۴۱۴ و ۴۱۵)

آنچه از سخن ایشان در تأیید بحث ما مفید است، اینکه ایشان با تمام سختگیری رجالی، بر صحت و اعتبار سند روایاتی اذعان می‌کند که با لفظ «حرم» محدوده مربوط به احکام حائر و تربت را اثبات می‌کند و از سوی دیگر ما اثبات نمودیم مقصود از حرم و کربلا یکی است و با تبیین و رفع ابهام از مقصود و محدوده حرم، دیگر دلیلی برای تمسک به قدر متیقن نیست. همچنین اشکالات دیگری بر دلیل ایشان وارد است؛ از جمله تمسک به ظهور معنای حرم در عصر حاضر که با توجه به ساخت و ساز موجود، غلط‌بودن چنین ملاکی اظهر من الشمس است.

از جمله شواهدی که تأیید می‌کند مقصود از حرم همان کربلاست این خبر نورانی است که در آن می‌فرماید: «اما تعلم ان الله اتخذ کربلا حرماً آمناً مبارکاً»؛ «مگر نمی‌دانی خدای متعال کربلا را حرم امن و مبارکی قرار داد.» (ابن قولویه،

۱۳۸۱ش، ص ۸۰۸) بنابراین تردیدی باقی نمی‌ماند که مقصود از حرم، کربلاست و حکم اتمام نماز در سراسر آن جاری است؛ اگرچه هرچه به قبر مطهر نزدیک‌تر باشد بهتر است؛ اما محدوده کربلا را باید در زمان امام حسین (ع) یافت نه در زمان حاضر؛ زیرا در این احادیث ملاک، کربلای در زمان آن حضرت بوده است. همان‌طور که فقها در خصوص اتمام نماز در حرمین شریفین آن را مقید به مکه قدیم (که از عقبه مدینین است تا ذی طوی) و مدینه زمان حضرت رسول اکرم (ص) نموده‌اند. (وحید خراسانی، ۱۳۹۵ش، ۲۴۴)

اقسام روایات باب استشفاء به تربت و جمع میان آنها

روایات باب اخذ تربت از قبر مطهر جهت استشفاء را می‌توان در دو دسته کلی جای داد: یک دسته، روایاتی است که در آنها تعبیر از قبر، موضع القبر و طین القبر و مشابه آنها شده است؛ مانند روایات باب ۹۱ کامل الزیارات (ما يستحب من طین قبر الحسین (ع) و انه شفاء)، در این باب هشت روایت نقل شده که تعبیر به کار رفته در تمامی آنها «طین القبر» است. چنان‌که اشاره شد در روایاتی دیگر قبر یا موضع قبر را ۲۰ و ۲۵ ذراع معرفی نموده‌اند و یا در روایت دوم و ششم باب ۹۳ کامل الزیارات (من این بوخذ طین قبر الحسین (ع)) می‌فرماید: «طین قبر از نزد قبر تا فاصله ۷۰ باعی اخذ می‌شود».

اما دسته دوم روایاتی است که محدوده تربتی که برای شفا اخذ می‌شود را تفصلاً توسعه داده است و اجازه اخذ آن را در محدوده‌های خیلی بیش از حیطة قبر مطهر نیز صادر نموده است. تا جایی که بر خاک حائر و حرم و تمامی ارض مقدس کربلا هم تربت حسین (ع) صدق کرده و برای استشفاء مجاز می‌داند؛ از جمله احادیث چهارم و ششم از باب ۹۲ کامل الزیارات (ان طین قبر الحسین (ع) شفاء و امان) استشفاء را به محدوده حائر توسعه داده و می‌فرماید: «همانا در طین حائری که در آن حسین (ع) است شفای از هر درد و امان از هر ترسی است.» و روایات دیگری که در گذشته بدان اشاره شد و استشفاء به تربت را تا فاصله یک میل و چهار میل و ده میل از قبر می‌دانست.

جمع این دو دسته از روایات چنین است که اصل، اخذ تربت از قبر مطهر می‌باشد و شفا در آن است؛ اما این شفا بخشی به جهت اتصال با بدن مطهر و محل عنایت آن حضرت است. بنابراین محدوده معینی ندارد و هرچقدر نزدیک‌تر به مرقد مطهر باشد بیشتر اثر پذیرفته و بیشتر اثرگذار خواهد بود و همان‌طور که در کلام شیخ الطائفه و محقق اردبیلی ذکر شد اخذ تا آخرین این حدود جایز و هر آنچه صدق تربت کند خوردنش جایز است و اختلاف در مراتب است.

به عبارت دیگر، بی‌شک جواز خوردن تربت به جهت استشفای از احکام ترخیصی می‌باشد. بنابراین نیازی نیست تا در هنگام تعارض ادله، مانند احکام الزامی با آنها برخورد شود. بله! اگر این ادله الزامی بودند، جمع عرفی هنگام تعارض میان آنها به این بود که مطلق بر مقید حمل شود و یا عام بر خاص حمل گردد؛ اما در مورد احکام ترخیصی هنگام تنافی میان نصوص، علاج آن به این است که آنها را حمل بر مراتب فضیلت و شرافت نمود. به این معنا که در تمام خاک کربلا شفاست؛ اما هرچه به قبر مطهر نزدیک‌تر شود قوت و قدرت شفا در آن بیشتر می‌شود تا جایی که به تربت سرخ بالای سر شریف می‌رسد که در روایت، شفای هیچ بیماری مگر مرگ را استثنا نمی‌کند. «عند رأس الحسين عليه السلام لترية همراء فيها شفاء من كل داء الا السام» (کلینی، ۱۳۹۳، ج ۴، ص ۶۵۱)

نتیجه‌گیری

در باب اتمام نماز در روایات با سه واژه «حائر»، «حرم» و «عندالقبر» مواجه هستیم. آنچه از زیارت‌نامه‌ها بر می‌آید حدود حائر اخص از حرم و کربلا می‌باشد؛ زیرا در موارد متعدد وارد شده بعد از گذشتن فرات و غسل در آن به سمت حائر می‌روی و امثال آن‌که در حدیث صفوان و غیر آن به آن اشاره شد. لذا نمی‌توان به طور قطع، حکم به تساوی حائر با حرم و بلد نمود؛ گرچه گاهی به جای هم استعمال می‌شوند، اما این استعمال همیشگی نیست و محتمل

است. واژه «عندالقبر» هم مقول به تشکیک است و مراد از آن قطعی نیست؛ اگرچه مراجعه به عرف، تمام ارض کربلا را نشان می‌دهد. اما اگر در استدلال از اتکا به این واژه هم گذر کنیم، خدشه‌ای به نتیجه مورد نظر وارد نخواهد کرد؛ زیرا اولاً همان‌طور که در مورد الفاظ به کار رفته برای مکه و مدینه اشاره شد گاهی الفاظ مختلفی در مورد یک منطقه به کار می‌رود که ظاهراً مساحت‌های اخص و اعم را شامل می‌شوند؛ اما مقصود از همه آنها مساحت اعم است. چنان‌که در مورد مکه و مدینه الفاظ مسجدالحرام و مسجدالرسول و حرمین هم در روایات استفاده شده بود؛ اما امام علیه السلام تصریح فرمودند مقصود ایشان بلدین است و این استعمال از این باب بوده است که غالباً نماز در مسجدین اقامه می‌شود. همچنین در مورد سه واژه مذکور وقتی ثابت شد حرم در معنای بلد است دیگر اشکالی وارد نیست؛ حتی اگر ثابت شود دو واژه دیگر محدوده اخصی را در بر می‌گیرند. اما طبق بررسی رجالی آقای خویی از میان روایات، تنها روایاتی از حیث سندی معتبر است که با واژه حرم وارد شده است. بنابراین آنچه در تعیین مراد از حیطة حکم اتمام نماز مهم است به روشن شدن این لفظ برمی‌گردد و طبق بررسی به عمل آمده بر اساس صحیحہ علی بن مهزیار روشن شد مراد از حرم، همان بلد کربلا می‌باشد. چنان‌که مراد از حرم در سه فقره دیگر این روایت نیز بلد می‌باشد و وجهی برای تفکیک تفسیر میان لفظ حرم در «حرم الحسین علیه السلام» از سه لفظ همانندش در یک روایت نیست مگر عمل به احتیاط که در باب اتمام نماز طبق بیانی که گذشت بنا را بر قصر نماز گذاشتن چه بسا خلاف احتیاط باشد و در باب اخذ تربت جهت استشفای نیز چون در روایات اختلاف حدود از باب رخصت است، حمل بر مراتب فضیلت و اثربخشی شده است و در نتیجه در هر دو مورد محلی برای اجرای احتیاط باقی نمی‌ماند. بنابراین دیدگاه مختار ما در باب اتمام نماز در حائر تقریباً منطبق با دیدگاه محقق بحرانی است که همه شهر را پوشش می‌دهد و در باب استشفای به تربت مطابق با دیدگاه شیخ طوسی است که تقریباً همه

شهر را شامل می‌شود با این تفاوت که در هر دو مورد مقصود ما از کربلا، کربلای قدیم، یعنی کربلای زمان خود حضرت سیدالشهدا علیه السلام و زمان صدور روایات مربوط به این احکام است. از آنجا که معصومان علیهم السلام در استعمال این الفاظ بیشتر به وقایعی نظر داشته‌اند که در این سرزمین رخ می‌دهد و در واقع از الفاظی مانند تربت، کربلا و حرم، آن محدوده‌ای مورد عنایتشان بوده که بستر وقوع حوادث روز عاشورا بوده است. قدر متیقن از کربلا و حرم قدیم و یا به عبارت دیگر تربت حسینی علیه السلام همان مکان‌های مقدسی است که امروزه به عنوان مشاهد روز عاشورا در کربلا شناخته شده است و می‌توان چنین ملاکی را در مورد آن ارائه داد: شعاعی از قبر مطهر تا خیمه‌گاه شریف در جهاتی که آن حضرت و اصحابش در آن حضور داشته و یا شهید شده‌اند که شامل مکان‌هایی چون اطراف ضریح، قتلگاه، تل زینبیه، خیمه‌گاه، مشهد و حرم قمر منیره بنی‌هاشم و بین‌الحرمین می‌باشد. البته در مورد هر دو حکم اتمام و استشفاء، مراتب فضیلت و تأثیر بسته به مراتب قرب به قبر مطهر است.

منابع

* قرآن کریم

۱. آل کلیددار، محمدحسن مصطفی (۱۳۶۸ق) **مدینة الحسين**، شرکت سپهر ایران، چاپ اول.
۲. ابن ادريس، محمد بن احمد (۱۴۱۰) **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**، قم، مؤسسہ النشر الاسلامی.
۳. ابن براج، عبدالعزيز قاضی (۱۴۰۶ق) **المهذب**، قم، مؤسسہ النشر الاسلامی.
۴. ابن سعید حلّی، یحییٰ بن سعید (۱۴۰۵ق) **الجامع للشرایع**، قم.
۵. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۴۱ق) **مصباح الزائر**، قم، مؤسسہ آل البيت لاحیاء التراث، چاپ اول.
۶. ابن عبدالحق، عبدالمؤمن بن عبدالحق (۱۴۱۲ق) **مراصدا لاطلاع علی أسماء الامکنة و البقاع**، بیروت، دارالجيل.
۷. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۸۱ش) **کامل الزیارات**، ترجمہ سید محمد جواد ذہنی تهرانی، گنجینه ذہنی، چاپ اول.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵ق) **لسان العرب**، قم، أدب الحوزہ، چاپ اول.
۹. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۳۶۹ق) **حدائق الناظرة فی احکام العترة الطاهرة**، قم، مؤسسہ النشر الاسلامی.
۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴ق) **صحاح اللغة**، بیروت، دارالعلم للملایین.
۱۱. حائری، عبدالکریم (۱۳۶۲ش) **کتاب الصلاة**، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۲. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۷ق) **وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة**، بیروت، مؤسسہ الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول.
۱۳. حکیم، سید محسن (۱۳۹۳ق) **مستمسک العروة الوثقی**، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۱۴. خمینی، روح الله، (۱۳۸۵ش) **توضیح المسائل مراجع**، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. خوانساری، سید احمد (۱۳۵۵ش) **جامع المدارک فی شرح المختصر النافع**، تهران.
۱۶. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۷ق) **موسوعة الامام الخویی**، مؤسسہ احیاء آثار

- الامام الخویی. تهران، انتشارات مرتضوی، چاپ اول.
۱۷. درگاهی، مهدی (۱۳۹۸ق) «نماز مسافر در اماکن چهارگانه»، **میقات حج**، دوره ۱۸، شماره ۷۲، ص ۴۵-۷۴.
۱۸. دیانت، ابوالحسن (۱۳۶۷ش) **فرهنگ تاریخی سنجش‌ها و ارزش‌ها**، تبریز، بایرام صادقی.
۱۹. سیستانی، سیدعلی حسینی (۱۳۸۳ش) **توضیح المسائل**، قم، مؤسسه انتشارات هجرت، چاپ چهارم.
۲۰. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۳۸۴ش) **تحریر الروضه فی شرح اللمعة**، تهران، سمت، چاپ نهم.
۲۱. صدوق، شیخ محمد بن علی (۱۳۸۷ش) **من لایحضره الفقیه**، ترجمه صدرالدین بلاغی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم.
۲۲. صاحب جواهر، محمدحسن (۱۳۶۵ش) **جواهر الکلام**، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم.
۲۳. طباطبائی یزدی، سیدمحمدکاظم بن عبدالعظیم (۱۴۰۴) **العروة الوثقی**، بیروت.
۲۴. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ش) **مجمع البحرين**، تهران، مرتضوی، چاپ سوم.
۲۵. طهرانی، میرزاابوالفضل (۱۳۷۶ش) **شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور**، تهران، انتشارات مرتضوی، چاپ اول.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق) **مصباح المتجهد**، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، چاپ اول.
۲۷. _____ (بی‌تا) **تهذیب الاحکام**، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول.
۲۸. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق) **مختلف الشیعه**، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول.
۲۹. _____، (۱۴۱۲ق) **متهی المطلب فی تحقیق المذهب**، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه.
۳۰. قزوینی، فضل‌علی (۱۳۹۲ش) «کربلا آخرین منزلگاه امام حسین علیه السلام»، ترجمه محمد مهدی رضایی، **فرهنگ زیارت**، دوره ۴، ش ۱۷، صص ۹۷-۱۲۴.
۳۱. قمی، شیخ عباس (۱۳۷۹ش) **مفاتیح الجنان**، ترجمه: مهدی الهی قمش‌ای، چاپ دلارنگ، چاپ اول.
۳۲. _____، (۱۴۱۴ق) **سفینة البحار**، انتشارات اسوه، چاپ اول.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۳ش) **فروع کافی**، گروه مترجمان، قم، قدس، چاپ چهارم.